

تعلیم عوامل موسیقی در خاورمیانه

گفتار دکتر برکشلی در جلسه ۱۷ شهریورماه ۱۳۴۶ سمینار بین‌المللی آموزش
موسیقی در شرق

در حقیقت باید اقرار نمود که موسیقی سنتی زمان حاضر نسبت به اعصار گذشته ضعیف شده است شعرای ایرانی و هندی شکارشاهانه‌ای را توصیف نمی‌کنند مگر آنکه شماره زیادی موسیقی‌دان جزء رکاب همایونی قرار دهند. این موسیقی که تا این اندازه نزد قدما عزیز بوده است در اثر يك رشته وقایع تاریخی و تحولات اجتماعی چه از لحاظ نظری و چه عملی به ملودی محدود شده ولی در این قسمت تکامل و ظرافت آن بسرحد کمال رسیده است. ذکاوت نظری‌دان در مطالعه ترکیب انواع ملایمات ما فوق تصور و احساس و مهارت نوازنده در تزیین ملودی اعجاب‌آور است. تشدیدها و تضعیف‌ها، بکار بردن فاصله‌های کوچک، تغییر جزئی بعضی از پرده‌ها، اجرای تکیه‌ها و نت‌های تزئینی و ده‌ها و صدها لم دیگر برای پروراندن نغمات معمول گشته است که در هیچ نوع موسیقی غیر شرقی نتوان یافت. در این نوع موسیقی، شرقی‌ها با وسائل محدود بحد اعلاى نظافت و ظرافت و حساسیت رسیده اند.

موسیقی‌های سنتی ممالک خاورمیانه هنری است که از هزارها سال پیش

تا کنون بوسیله موسیقی دانان سینه بسینه حفظ شده و نسل به نسل باقی مانده است . قواعد عملی آن با روش های تعلیماتی نظیر دستور هائی که برای تحصیل موسیقی غربی تهیه شده است هیچگاه تنظیم و تدوین نگردیده . صحیح است که کتابهای علمی متعددی در دوره درخشانی از تمدن اسلامی که در آن موشکافی در عوامل موسیقی جزء تحصیلات و تعلیمات فلسفی بشمار می رفته است نوشته شده ولی این کتابها بمنظور تدریس عملی موسیقی برای نوازندگان تهیه نگردیده بوده است اینان بدستورات ساده و قابل درکی که قواعد موسیقی عملی و حقیقی را نشان دهد نیاز داشته اند . بعلاوه این نوازندگان اغلب در مقابل هر نوع تحولی که از قواعد نظری سرچشمه گرفته باشد ایستادگی می نموده اند . در آغانی حکایات متعددی مربوط به هنرمندان اسلامی موبداین امر میتوان یافت . موسیقی دانان کنونی که سنت های پیشین قرون وسطی را هنوز ادامه می دهند حتی از وجود چنین کتابهایی که در علم موسیقی نوشته شده است بی خبرند . تنها در این اواخر است که از قبول خط موسیقی غربی در مالک شرق دستورهای تحصیلی مربوط به موسیقی چاپ شده است ولی این کتابها نیز بالاخص برای تدریس و تحصیل موسیقی سنتی تدوین نگردیده بلکه بعنوان کتاب موسیقی برای فرا گرفتن فنون نوازندگی تهیه شده است و تنها نمونه های بعنوان مثال از قسمت هائی از موسیقی سنتی در آن ها گنجانده شده است .

عوامل موسیقی شامل ریتم ملودی جرم صدائی (هارمن) و طنین است . نزد ملل مشرق « موضوع » نیز قابل اهمیت است و باید جزء عوامل موسیقی محسوب داشت .

اصل و بنیان ریتم در موسیقی شرقی تناوب است . آواز یا تصانیف غربی از دوره های ریتمی مساوی تشکیل شده است که پی در پی تکرار میشوند هر دوره دارای آکسانها و ضرب های قوی و ضعیف ثابتی است که در روند موسیقی باید بهمان نحو تکرار شود .

ریتم یا بهتر بگوئیم دوره ریتمی یا کشش زمانی عوامل متوالی آن و بخصوص با چگونگی قوت و ضعف آن عوامل مشخص و متوالی خود تقسیم

می‌سازد. ضرب‌های فرعی برای پر کردن فاصله‌های بین آکسان‌ها و پیوستگی عوامل آن و بخصوص برای نگهداری دقیق ضرب بکار می‌روند.

باید دانست که ضرب‌های اصلی يك ریتم که سبب تقسیم دوره‌ها بعوامل خود می‌شوند همیشه ضرب‌های قوی نیستند. هر يك از عوامل ریتم بنوبه خود از يك دوسه چهار و گاهی پنج وشش وهفت واحد زمانی تشکیل می‌شود. هنگامی که يك عامل یا يك میزان از پنج واحد تشکیل شده باشد آنرا مجموعه‌ای از دومیزان ساده یکی دوتایی و دیگری سه تایی می‌گیرند.

ریتم‌هایی که دارای واحدهای طاق باشند در ممالک خاورمیانه بیشتر طالب دارند در ایران ضرب $\frac{6}{8}$ بیشتر معمول است.

واضح است که واحد زمان ریتمی کَشش زمانی مطلق ندارد. کَشش آن بستگی به حرکت عمومی ملودی دارد.

تعلیم ریتم در موسیقی خاورمیانه با تقلید نظری و سمعی شاگرد از حرکات و حالات انگشتان و کف‌های دست استاد روی آلت ضربی است.

در بعضی از ممالک مشرق سعی نموده‌اند جزئیات اجرای ریتم را نت نویسی کنند که تعلیم آن آسان شود و بخصوص در مورد ارکستر بکار آید.

در هنرستان موسیقی ملی کمسیونری از سه سال پیش در این زمینه کار می‌کند که قوانین وقواعد چگونگی اجرای ریتم را روی دَبك اسباب ضربی معمول در ایران تنظیم نماید.

بدین منظور سطح دایره پوستی این اسباب را به سه منطقه کناری میانی و مرکزی تقسیم نموده و صداها حاصل در هر يك از این مناطق را که زنگ خاصی دارند روی سه خط حامل نمایش می‌دهند. کَشش صداها با همان علامت گذاری موسیقی غربی نمایش داده می‌شود و برای جزئیات اجرای آن علائم خاصی در نظر گرفته اند. این روش عنقریب بچاپ خواهد رسید و در تدریس این ساز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اینک مثالهایی از تعلیم قدیمی این ساز و تعلیم آن بسبک جدید بوسیله حسین‌تهرانی هنرمند استاد این فن نمایش داده می‌شود.

اینک به تعلیم مقام‌ها و ردیف‌های موسیقی سنتی در ممالک خاورمیانه
بپردازیم. تعدد حالات گوناگون نغمات در موسیقی شرقی پیوسته مانعی برای
تشکیل يك رده بندی ثابت درجات گام که مورد قبول همگان باشد بوده است.
موسیقی دانان مشرق زمین امروزه مانند قرون وسطی درباره تعداد و چگونگی
درجات گام اتفاق نظر ندارند و از خود می‌پرسند در فاصله يك اکتاو چند
درجه و بچه فواصل مورد احتیاج است که بوسیله آنها بتوان تمام نغمات را
اجرا نمود. برای سؤال باین پرسش که یکی از مسائل غامض تحصیل در مطالعه
موسیقی در مشرق زمین است هر کس راه حلی پیشنهاد می‌کند که بنظر خود
بهترین راه حل است. جستجوی پاسخ این مسئله بسیاری از روشنفکران
موسیقی ممالک خاورمیانه را در نیم قرن اخیر بخود مشغول داشته است بعضی
تحت تأثیر روش‌های غربی تمام حالات و کیفیاتی را که در موسیقی شرقی در
اثر تعدد درجات ایجاد شده و بنظر آنان مصنوعی جلوه می‌کند زائد تشخیص
می‌دهند و پیشنهاد می‌کنند که درجات اضافه بر درجات گام دیاتنیک و کرماتیک
موسیقی غربی حذف شود و این گام را قابل استفاده در موسیقی شرقی می‌دانند
و چنین می‌پندارند که با قبول این نظر می‌توان از تمام امکانات علمی و فنی
موسیقی غربی در موسیقی شرقی استفاده نمود.

بعضی دیگر دوره دوتنی رده بندی فیثاغورث که از اتصال ملایمات چهارم
و پنجم بدست می‌آید پذیرفته و قطعات سیم مربوط به فاصله هر يك از پرده
را به چهار قسمت و قطعات مربوط به نیم پرده‌ها را به دو قسمت می‌کنند و
بنظرشان می‌رسد این تقسیم برای رفع احتیاجات موسیقی شرقی کافی است.
برخی دوره دوتنی فیثاغورث را پذیرفته و هر پرده آنرا به دو نیم پرده
بزرگ و کوچک غیر مساوی تقسیم می‌کنند و بدین ترتیب ۱۲ نیم پرده کوچک
و ۱۲ نیم پرده بزرگ در هر اکتاو بدست می‌آورند.

برخی دیگر بمنظور بکار بردن اسبابهای کلاویه دار مانند پیانو در
ارکستر از رده بندی دیاتنیک که از قدیم مورد تایید نظری دانان و هنرمندان
بوده است بریده و تقسیم اکتاو را به ۲۴ ربع پرده مساوی توصیه می‌کنند.

دو درجه اصلی پیوسته از اقدامات اصولی برای تثبیت گام سرپیچی داشته‌اند. صفی‌الدین ارموی در قرن سیزدهم نخستین بار باین فکر افتاده و درجات گام مشرق را به ۱۸ درجه و ۱۷ فاصله در اکتاو که همگی از تسلسل ملایمات چهارم و پنجم بدست می‌آیند محدود کرده است. او خود باین موضوع اشاره می‌کند که بعضی از درجات از این تقسیم سرپیچی دارند. این دو درجه که در تقسیمات ۲۴ ربع پرده نیز نمی‌گنجد در زبان امروز mp و sip می‌باشند که اولی با دو و دومی با سل دو درجه اصلی گام فواصل سوم خنثی تشکیل می‌دهند و از درجات مشخص مقام راست در موسیقی عرب و بسیاری از مقام‌های موسیقی ایرانی و ترکی بشمار می‌روند. همین دو درجه هستند که بگوش اشخاص نا آشنا بموسیقی شرقی مصنوعی جلوه می‌کنند در حالیکه تحقیقات علمی بر مبنای آزمایش‌های آکوستیکی نشان می‌دهد که این درجات نه تنها مصنوعی نیستند بلکه با بعضی از درجات اصلی گام فواصل طبیعی را که مبنای هارمونی موسیقی بین‌المللی است تشکیل می‌دهند.

گوشهای مغرب زمین از اواخر دوره تجدد تا کنون فواصل هارمونیک گام را که هارمونی بر آنها استوار است در اثر عادت بفواصل معتدل گام بتدریج فراموش کرده‌اند و چنانچه آنها را دوباره بیاد آورند و فاصله‌های سوم بزرگ

هارمونی $\frac{5}{4}$ و ششم بزرگ هارمونی $\frac{5}{3}$ را با احساس ملایمت خوب بشنوند و احساس

کنند تشخیص خواهند داد که این دو درجه بسیار طبیعی شنیده می‌شود چه فاصله (si b - sol) و یا (mib - do) عیناً معادل فاصله ششم بزرگ هارمونیک

$\frac{5}{3}$ شنیده می‌شوند. بعبارت دیگر با احساس ملایمت سه فاصله چهارم و پنجم

و ششم تمام درجات گام موسیقی مشرق تثبیت می‌شود. طریقه یافتن درجات

گام بوسیله احساس ملایمت کارتازه‌ای نیست فارابی دریافتن پرده‌های گام

روی تنبور خراسان همین روش را بکار برده است و کوك نمودن سازها چه

در شرق و چه در غرب با همین طریقه انجام می‌شود.

بنظر ما بکار بردن این روش و عادت دادن گوشها بیافتن درجات گام

بوسیله احساس ، ملایمت موسیقی را پیوسته خالص و طبیعی نگه می‌دارد و یک روش سنتی تعلیم موسیقی محسوب می‌شود .

ولی تعیین و تشخیص صحیح درجات گام تنها عامل تعلیم موسیقی سنتی بشمار نمی‌رود . برای یاد دادن دوپست و بیست و هشت گوشه از ردیف هفت دستگاه موسیقی ایران و یا ۵۲ مقام موسیقی عربی بمیزانی که قابلیت بداهه سرائی در شاگرد ایجاد نماید محتاج سالها کار و ممارست است که استاد با علاقه تحمل مشقت آنرا بعهده می‌گیرد .

اینک مثالی از چگونگی تدریس استاد بشاگرد باروش سنتی بوسیله استاد نورعلی برومند در این مجلس بمعرض نمایش گذارده می‌شود .

در تمام ممالک مشرق زمین در طول نیمه دوم قرن اخیر مکتبی ایجاد شده است که مدعی اصلاح و تجدید حیات موسیقی ملی با الهام از علوم و روش‌های غربی می‌باشد در این مکتب نت نویسی غربی با اضافه نمودن بعضی علامات مورد عمل قرار گرفته و مدارسی که با این روش کار می‌کنند علوم موسیقی غربی مانند سلفژ ، هارمونی و کمپوزیسیون تدریس می‌گردد و تاکنون موسیقی دانان قابلی که از لحاظ تکنیک و مهارت و نوازندگی بر مقدمین خود برتری دارند تربیت شده اند ولی در مورد موسیقی سنتی تنها بمثالهایی که در کتاب های تدریس برای یاد دادن نت خوانی و نت نویسی آمده است اکتفا کرده اند .

تعلیم موسیقی در این مکتب بر این طرز فکر استوار است که وقتی شاگرد نت خوانی و نت نویسی یاد گرفت خود می‌تواند موسیقی سنتی را که بخط موسیقی بین‌المللی نوشته شده است اجرا نماید . نتیجه این طرز تفکر این است موسیقی دانان نسل جدید که اغلب از عهده کار در ارکستر برمی‌آیند بموسیقی سنتی و ملی خود نا آشنا می‌مانند و تنها بآنچه از رادیو می‌شنوند قناعت می‌ورزند .

در این مکتب ارکستر بهترین وسیله پیشرفت موسیقی شرقی محسوب شده است ولی در این ارکسترها حالات و کیفیات موسیقی شرقی و اصالت دروند ملودی بسبب تبعیت از اصول غربی از میان رفته است و موسیقی جدیدی که

این نوع ارکسترها در ممالک خاورمیانه بملل خود تحمیل می کنند جز تقلیدی
از عادی ترین انواع موسیقی غربی بشمار نمی رود.
در دوره ای از زمان که موسیقی دانان ممالک خاورمیانه موسیقی سنتی و
ملی خود را بنحو کامل فرا گرفته و مجهز بعلوم موسیقی بین المللی شوند ،
امکان تجدید حیات و پیدایش مکاتب جدید در موسیقی این ملل بیشتر خواهد
شد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی